۶۲ روز تا جام جهانی

راه و روش انتخاب یک کاپیتان

وقتی ورون به جان سورین می‌افتد

چگونگی اداره یک تیم یک مسئله حساس و خطیر است و اگر کارتان را بلد نباشید، حتی مسئله انتخاب یک کاپیتان نیز می‌تواند تیم‌تان را به باد بدهد.

امروز جنگی که بین خوان پابلو سورین و خوان سباستین ورون در فوتبال آرژانتین به راه افتاده، نشانگر سوءمدیریت در تمام موارد فوق است.

هفته پیش که اینتر میلان و ویارئال در مرحله یک‌چهارم نهایی جام قهرمانان اروپا رودررو ایستادند، این مسئله نمودی کامل پیدا کرد و کم مانده بود که این دو بازیکن لباس‌های یکدیگر را پاره و با مشت سر و روی طرف مقابل را خونین کنند.

سورین یک بال چپ پرتحرک و بازیکنی پرشور و فنی است که حتی یک لحظه هم از حرکت باز نمی‌ایستد و دائماً در لب خط در حال مانور و توپ‌سازی و سانتر است و به همین سبب تماشاگران معمولاً سریعاً به او دل می‌بندند. مارچلو بیلسا مربی سابق تیم ملی آرژانتین سورین را بازیکنی خوانده بود که می‌تواند مظهر و نماد این تیم باشد و بهترین عامل تبلیغ برای فوتبال این کشور تلقی شود.

با این حال بیلسا در ایامی که تیم آرژانتین را رهبری می‌کرد، هیچ‌گاه سورین را کاپیتان نگذاشت زیرا حس می‌کرد که او نه آمادگی‌اش را دارد و نه حق بستن

بازوبند را. از دیدگاه بیلسا کسی باید کاپیتان تیم ملی می‌شد که نماینده و سخنگو و نماد بازیکنان باشد. این چنین بود که روبرتو آیالا برای این سمت انتخاب شد و این کار را خود ملی‌پوشان آرژانتین صورت دادند. آنها حس می‌کردند که آیالا بیش از هر کس می‌تواند حافظ منافع آنها باشد.

با این حال بیلسا استعفا داد و پکرمن سرکار آمد و طبعاً مقام کاپیتانی تیم ملی نیز دست به دست شد. پکرمن برخلاف بیلسا معتقد است مردی باید کاپیتان باشد که درون زمین حرف اول را بزند و صریح‌تر بگوییم نماینده شخص او در میدان باشد. سورین به این ترتیب به نماینده و فرد منتخب او بدل شد.

■ یک همکاری طولانی

البته سوابق و ارتباط کاری آنها نیز به گذشته بالنسبه دور بازمی‌گردد. پکرمن سه بار آرژانتین را فاتح جام جهانی جوانان کرد و در مورد اول (۱۹۹۵) کاپیتان تیم

جوانان آرژانتین، سورین بود. به این ترتیب ۱۰ سال بعد از آن همکاری پکرمن و سورین تجدید شد و این بار در تیم ملی بزرگسالان آرژانتین. اما تعدادی از نفرات پرسابقه‌تر در تیم ملی آرژانتین این را نپسندیدند. اعتقاد آنها این بود حالا که بازیکنان این افتخار را به او بخشیده‌اند، وی نیز باید جوانمردی کند و بازوبند را پس از بهبودی مصدومیت آیالا، به او بازگرداند. سورین این کار را نکرد و همین مسئله اختلاف شدید بین سورین و ورون را موجب شد. البته آنها پیش از آن نیز اختلاف داشتند، اما فرقی که نسبت به گذشته ایجاد شد، این بود که دو طرف دیگر حتی نمی‌توانستند در رختکن و در داخل زمین یکدیگر را تحمل کنند.

ورون بارها گفته است که هدف اصلی‌اش فتح جام و افتخار با تیم ملی آرژانتین است و با این که خیلی‌ها (شامل دیگو مارادونای افسانه‌ای) نیز به نفع او اقدام و تبلیغ کرده‌اند، چنین چیزی شکل نگرفته است.

ورون مدعی است سورین با استفاده از محبوبیت و نفوذش نزد پکرمن دعوت از او به نفع تیم ملی را منتفی و غیرممکن کرده و رای پکرمن را در این خصوص زده و با این که سورین این ادعا را قویاً رد کرده، ورون حرف او را باور ندارد. بنابراین مسابقه اینتر با ویارئال بهترین فرصت و میدان برای تسویه‌حساب مسائل مذکور بود. درست است که طی بازی دو طرف بارها سرشاخ شدند و حتی ورون در تونل ورزشگاه می‌خواست سورین را بزند و در نیمه دوم نیز مارکو ماتراتزی مدافع اینتر با یک ضربه آرنج صورت سورین را غرق در خون و وی را وادار به ترک زمین کرد، اما بازنده این نبرد باز هم ورون بود زیرا هم تیمش باخت، هم خودش مصدوم شد و هم بخت‌های اندکش برای جلب نظر پکرمن و راهیابی به تیم اعزامی آرژانتین به «آلمان ۲۰۰۶» اندک‌تر شد.

ورون حالا می‌تواند بازی‌های جام جهانی ۲۰۰۶ را از تلویزیون ببیند و حرص بخورد. با این حال برخی مربیان هم نشان داده‌اند که هنر اداره یک تیم و کم‌کردن دعواهایی از این دست را ندارند و پکرمن از آنها است که در این تعریف می‌گنجد.

منبع: **BBC**

گفت‌وگو با آلساندرو نستا مدافع میلان و تیم ملی ایتالیا

از فوتبال ممنونم

آرش فرح‌زاد

آلساندرو نستا مدافع سی‌ساله میلان و تیم ملی ایتالیا سال‌ها است که توسط فیفا به عنوان یکی از بهترین مدافعان جهان معرفی می‌شود. نشریه Fifa Magazine در آخرین شماره خود گفت‌وگویی با این مدافع انجام داده است. نستا در این مصاحبه از امیدواری‌اش برای قهرمانی در جام جهانی، ناکامی در سه فینال اخیری که در آن حضور داشت و نیز علاقه‌اش به ستارگانی مثل رونالدینیو، زلاتان ابراهیموویچ، دروگبا و اتوئو سخن گفته است. با هم این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

■■■

■ پله اخیراً گفته که اگر برزیل می‌خواهد از کسب قهرمانی مطمئن شود تنها به آلساندرو نستا نیاز دارد. نظر خودت چیست؟

این جمله یکی از بهترین تعریف‌هایی است که شنیده‌ام. از این بابت از پله ممنونم. بازیکنان برزیل از نظر توانایی‌های فردی بی‌نظیر هستند. به بازی رونالدینیو، کاکا، آدریانو و رونالدو دقت کنید. آنها قادرند یک تنه تیمشان را پیروز از میدان خارج کنند. با این حال فوتبال ورزشی گروهی است و در دو تورنمنت اخیر یعنی جام جهانی ۲۰۰۲ و جام ملت‌های اروپا ۲۰۰۴ نیز این نکته به خوبی مشخص بود. کره جنوبی، ترکیه، یونان و جمهوری چک نشان دادند که روح تیمی بسیار مهم‌تر از توانایی فردی بازیکنان است. برزیل نیز هم از نظر فردی و هم از نظر تیمی در شرایط بسیار خوبی به سر می‌برد و از مدعیان کسب قهرمانی در جام جهانی است.

■ چه تیم‌های دیگری شانس قهرمانی در جام جهانی امسال را دارند؟

انگلیس. اریکسون را به خوبی می‌شناسم و در لاتزیو زیر نظر او کار کردم. او تجربه زیادی دارد و می‌داند که چگونه از توانایی‌های فردی بازیکنان برای کسب پیروزی بهره بگیرد. اریکسون یک حرفه‌ای کامل است و برای هر لحظه از بازی برنامه‌ریزی می‌کند. با توجه به اینکه ستارگان بزرگی مثل بکام، لمپارد، جرارد و رونی هم‌اکنون در اوج آمادگی به سر می‌برند نباید از درخشش و تنها قهرمانی انگلیس در جام جهانی تعجب کرد.

■ شانس ایتالیا را برای قهرمانی چقدر می‌دانی؟

اگر بخواهیم واقع‌بین باشیم باید بگوییم ایتالیا در کنار آلمان، آرژانتین و فرانسه کمی پائین‌تر از برزیل و انگلیس قرار دارد. اما ما روز به روز پیشرفت می‌کنیم و در بازی‌های مقدماتی نیز در هر بازی نسبت به بازی قبل بهتر ظاهر شدیم. روحیه تیمی بازیکنان بسیار عالی است و این نکته می‌تواند کمک بزرگی به ما در تورنمنت‌های دشواری مثل جام جهانی باشد. بسیاری از بازیکنانی که هم‌اکنون در تیم ملی بازی می‌کنند تجربه حضور در جام جهانی ۲۰۰۲ و جام ملت‌های اروپا را دارند. در هیچ کدام از این دو تورنمنت ما خوب ظاهر نشدیم و باید بازی‌های ضعیفمان در سال‌های اخیر را در آلمان جبران کنیم. جام جهانی آلمان آخرین فرصت برای بسیاری از ما خواهد بود. بازی در آلمان برای من بسیار مهم است به این دلیل که مسابقات حساس دو جام جهانی قبلی را به دلیل مصدومیت از دست دادم.

■ ایتالیا در کنار جمهوری چک، غنا و آمریکا در گروهی بسیار دشوار قرار گرفته است.

درست است. شاید بتوان گفت در سخت‌ترین گروه قرار داریم. با اینکه ایتالیا به عنوان سرگروه انتخاب شده است اما دو تیم آمریکا و جمهوری چک در رده‌بندی فیفا بالاتر از ایتالیا قرار دارند. غنا نیز طی سال‌های اخیر بیشترین صعود را در میان تیم‌های آفریقایی داشته است. هیچ کدام از این سه تیم را نمی‌توان دست‌کم گرفت. بازیکنان کمی از این سه تیم در تیم‌های درجه یک اروپا بازی می‌کنند و به همین دلیل کمتر خسته هستند و با انگیزه بیشتری در برابر ما قرار می‌گیرند. جام جهانی ۲۰۰۲ و یورو ۲۰۰۴ نشان داد که خستگی یکی از اصلی‌ترین عوامل ناکامی تیم‌های بزرگی مثل ایتالیا، اسپانیا، انگلیس و آلمان و فرانسه بود. بازیکنان پس از یک سال بازی در بالاترین سطح مجبور بودند همراه با تیم‌های ملی خود در این تورنمنت‌ها شرکت کنند. خوشحالم که امسال فیفا از کشورهای شرکت‌کننده در جام جهانی خواسته است لیگ‌های داخلی خود را یک هفته زودتر تمام کنند تا بازیکنان بیشتر استراحت کنند.

■ تو همراه با لاتزیو، میلان و تیم ملی ایتالیا فینال تمام جام‌های معتبر به غیر از جام جهانی را تجربه کردی. اما در بیشتر این فینال‌ها بازنده بودی.

بله، سه بار در فینال شکست خوردم. اولین آن فینال یورو ۲۰۰۰ بود. ایتالیا در حالی که کمتر از یک دقیقه با قهرمانی در اروپا فاصله داشت بازی را با گل‌های ویلتورد و سپس ترزگه به فرانسه واگذار کرد. در سال ۲۰۰۳ نیز در فینال جام بین قاره‌ای مقابل بوکاجونیورز در ضربات پنالتی شکست خوردیم. آخرین فینال نیز فینال لیگ قهرمانان سال گذشته در استانبول بود. ما در حالی مقابل لیورپول در ضربات پنالتی مغلوب شدیم که نیمه اول بازی را سه بر صفر برده بودیم. البته از این که در این فینال‌ها حاضر بودم بسیار خوشحال هستم و تمام تلاشم این است که با تلاش بیشتر باز هم در چنین فینال‌هایی حاضر شوم و این بار با قهرمانی زمین را ترک کنم. به این بازی‌ها به عنوان تجربه‌های بد نگاه نمی‌کنم. همیشه به خودم یادآوری می‌کنم که باید به فینال برسی تا شکست در آن را تجربه کنی. در فوتبال امروز فاصله زیادی بین پیروزی و شکست وجود ندارد.

■ تو بسیار کم مصاحبه می‌کنی. بازیکنان بسیار کمی مثل تو هستند که در مورد زندگی خصوصی خود در مصاحبه‌هایشان با احتیاط و محافظه‌کاری حرف می‌زنند.

در کشوری مثل ایتالیا فوتبال در مرکز توجه قرار دارد و اگر در باشگاه بزرگی مثل میلان بازی کنید هم این توجه بیشتر می‌شود. در این صورت فشار زیادی نیز از طرف رسانه‌ها به شما وارد می‌شود. اما باید کاری کنید که این فشار و استرس به خانواده شما آسیبی نرساند. من برای حفظ خود از این فشارها بهترین راه‌حل را انتخاب کرده‌ام و آن حضور در کنار خانواده است. از اینکه با کسی زندگی می‌کنم که دوستش دارم بسیار خوشحالم. از کودکی آموخته‌ام که حریم زندگی شخصی‌ام را حفظ کنم. خانه بهترین جا برای من است تا کارهای مورد علاقه خود را انجام دهم. تماشای فیلم گوش دادن به موسیقی و خواندن کتاب.

■ زمانی که در لاتزیو بودی هواداران تو را سمبل این تیم می‌دانستند و در مقابل نیز فرانچسکو توتی کاپیتان رم قرار داشت که نماد این تیم بود. از رابطه‌ات با توتی بگو.

زمانی که در لاتزیو بودم این تیم در اوج قدرت بود و یکی از اصلی‌ترین رقبایش در راه کسب قهرمانی نیز همشهری‌مان رم بود. من و فرانچسکو کاپیتان دو تیم مدعی قهرمانی بودیم. پس ایجاد رابطه‌ای دوستانه و بسیار خوب کاری دشوار بود. اما از زمانی که به میلان آمدم رابطه‌ام با توتی بهتر شده است. در اردوی تیم ملی همیشه با هم هستیم. از اینکه دوستان دوران حضورم در شهر رم را حفظ کرده‌ام بسیار خوشحالم. تمام دوران کودکی من در رم گذشت و خاطرات شیرینی از این شهر دارم. بهترین دوستانم کسانی هستند که هنوز در رم زندگی می‌کنند، جایی که من رشد کردم. شاید بهترین کار این است که به‌خاطر داشتن دوستانی خوب از فوتبال تشکر کنم.

■ آریگو ساکی، چزاره مالدینی، دینوزوف، جووانی تراپاتونی و مارچلو لیپی این پنج مربی اخیر تیم ملی ایتالیا تو را به عنوان یکی از ارکان اصلی خط دفاع تیمشان انتخاب کرده‌اند.

چیزهای زیادی از این مربیان آموخته‌ام. با اینکه این مربیان از نظر تفکرات تاکتیکی تفاوت‌های زیادی با هم دارند اما در یک نکته مشترکند؛ هر پنج مربی در زمان بازی در خط دفاع بازی می‌کردند. طی ۱۰ سالی که در تیم ملی حضور دارم نکات زیادی از آنها آموختم. بیشترین انگیزه را آنها در زمان پوشیدن پیراهن تیم ملی به من می‌دهند. اگر در جام جهانی و جام ملت‌های اروپا نتوانم بدرخشم به بازیکن بزرگی در دنیای فوتبال تبدیل نخواهم شد. باشگاه‌ها پایه و اساس بازیکن را می‌سازند اما اگر یک بازیکن می‌خواهد در قلب مردم کشورش جا داشته باشد وقتی هواداران حریف نیز او را ستایش کنند باید با پیراهن تیم ملی کشورش بدرخشد.

■ از مدافعانی که تا به حال در کنارشان بازی کردی بگو و از مدافعانی که بازی آنها را می‌پسندی.

طی سال‌هایی که در لاتزیو، تیم ملی ایتالیا و میلان بازی کردم حضور در کنار بزرگانی مثل سینیشا میهایلوویچ، فرناندو کوتو، آلساندرو کاستاکورتا، پائولو مالدینی، کافو، یاپ استم، چیرو فرارا و فابیو کاناوارو برایم بسیار لذت‌بخش و آموزنده بود. چیزهای زیادی از آنها آموختم و آنها کمک کردند تا روز به روز پیشرفت کنم. هم به عنوان یک بازیکن و هم به عنوان یک انسان. اما بهترین خاطراتم به زمانی بازمی‌گردد که در کنار آنتونیو چاموت آرژانتینی در لاتزیو بازی می‌کردیم. شاید از این نظر آن روزها برای من اهمیت زیادی دارد چون روزهای ابتدایی حضورم در لاتزیو بود و چاموت هر نکته‌ای که در مورد موقعیتم در زمین باید می‌دانستم را به من آموخت. در میان دیگر مدافعان نیز بازی جان تری در چلسی و تیم ملی انگلیس را می‌پسندم. او مدافع بسیار قدرتمندی است و نه تنها در نیمه زمین خود خوب بازی می‌کند بلکه در زمین حریف نیز بسیار هوشیار است و گل‌های زیادی نیز به ثمر می‌رساند.

■ به جام جهانی برگردیم. از ایستادن در مقابل کدام مهاجمان هراس داری؟

شوچنکو، زلاتان ابراهیموویچ و دیدیه دروگبا مهاجمانی بسیار خطرناک هستند. آنها از نظر توانایی فردی، فیزیک بدنی، سرعت و هوش کم‌نظیر هستند. شاید بتوان گفت کامل‌ترین مهاجمان فوتبال امروز این سه مهاجم هستند. آنها قادرند در هر موقعیتی گلزنی کنند. بازی ساموئل اتوئو را نیز می‌پسندم. اما حیف او در جام جهانی غایب است.

■ ستاره جام جهانی امسال کدام بازیکن خواهد بود؟

بدون شک رونالدینیو. او نماد فوتبال امروز است. رونالدینیو در هر لحظه قادر است مدافعان پیش‌روی خود را به شگفتی وادارد. او فوتبال را به ساده‌ترین و جذاب‌ترین شکل آن بازی می‌کند و می‌تواند هر موقعیت دشواری را به فرصتی آسان تبدیل کند. به‌نظر من کاکا و شوچنکو نیز جام جهانی خوبی را پیش‌رو خواهند داشت. در میان بازیکنان جوان نیز باید به لیونل مسی اشاره کنم. جام جهانی آلمان بهترین فرصت برای او است تا توانایی‌های خود را نشان دهد.

به دنبال خبرچین‌ها در میلان

شبحی سرگردان به نام اینتر

گابریل مارکوتی

گاهی حوادث رختکن در بین دو نیمه به قصه‌ها و افسانه‌های فوتبال می‌پیوندند و جزء فولکلور این ورزش می‌شوند.

حکایت می‌کنند که در بازی نهایی جام جهانی ۱۹۵۰ بین برزیل و اروگوئه، در بین دو نیمه اوبدولیو واره‌لا کاپیتان اروگوئه گریبان خوان شیافینو مهاجم معروف آن تیم را گرفت او را به دیوار کوبید، چند سیلی نثار او کرد و سپس چند بار فریاد زد: «مثل «نی‌نی‌ها»(!) فوتبال بازی نکن. آدم باش.»

شیافینو چنان به وحشت افتاد که در نیمه دوم تبدیل به ستاره میدان شد و با درخشش او اروگوئه تیم برزیل را که در خانه‌اش بازی می‌کرد و حدود ۲۰۰ هزار نفر را در ورزشگاه ماراکانا یاور خود می‌دید، ۱-۲ شکست داد و فاتح جام شد و عزای عمومی را بر برزیل که مردم آن به‌شدت شیفته فوتبال‌اند حاکم ساخت و کارش چنان تاثیرگذار بود که پس از گذشت ۵۶ سال هنوز مردم برزیل بابت آن غصه می‌خورند.

هفته پیش، بعد از اتمام نیمه اول بازی اینترمیلان با ویارئال در دیدار برگشت یک‌چهارم نهایی جام قهرمانان باشگاه‌های اروپا و در پی نمایش ضعیفی که اینتری‌ها در این نیمه ارائه دادند، خوان ورون هافبک آرژانتینی اینتر همین کار را با آدریانو همبازی غول‌آسای برزیلی‌اش انجام داده است (البته منهای سیلی‌ها). با این حال تدبیر و تاکتیک مدرن(!) ورون برخلاف آنچه در سال ۱۹۵۰ ثمر داده بود، هیچ اثری را به جا نگذاشت و مهاجم سابق پارما و بازیکن قوی هیکل تیم ملی برزیل در نیمه دوم ضعیف‌تر ظاهر شد و اینچنین بود که اینتر در این شب ۱-صفر باخت و در مجموع با قانون گل خورده در زمین خودی تن به حذف شدن داد. لابد می‌پرسید ما چطور از این مسائل مطلع شده‌ایم. در مورد اول باید گفت که شیافینو خودش سال‌ها بعد ماجرا را بازگو کرد و این را زمانی گفت که از او خواستند داستان پیروزی عجیب و بزرگ اروگوئه در خانه برزیل را که از بزرگترین شگفتی‌های تاریخ فوتبال شناخته شده است، تشریح کند. قضیه اینتر چگونه افشا شد؟ بسیار ساده است. مثل تمام وقایع دیگری که در اینتر روی داده است، این ماجرا توسط خبرچین‌های داخلی به مطبوعات درز پیدا کرد. به واقع افشا شدن تمام تحولات و رویدادهای داخلی اینتر در رسانه‌ها مشکل بزرگ این باشگاه بوده است و اگر بگوییم این از دلایل اصلی ناکامی‌های این تیم در دهه اخیر بوده، حرفی به گزاف نگفته‌ایم. از وقتی ماسیمو موراتی این باشگاه را در سال ۱۹۹۵ خریداری کرد، فقط جام یوفای ۱۹۹۸ و جام حذفی ۲۰۰۵ ایتالیا به سوی این باشگاه میل کرده است.

با این حال بین «باختن به‌خاطر قدرت بیشتر حریفان» و باختن به سبب بی‌نظمی‌ها و وراجی‌های داخلی فرق زیادی وجود دارد و به‌نظر می‌رسد در اینتر مشکل دوم وجود دارد. کافی است روبرتو مانچینی سرش را برای یک لحظه آن طرف بگیرد تا یک نابسامانی روی بدهد و گزارش آن به خبر اول مطبوعات بدل شود و گاهی حتی احتیاج نیست که او سرش را تکان بدهد و این اتفاق در هر حال روی خواهد داد.

یکی از خبرهایی که در مطبوعات ایتالیا طی ماه‌های اخیر درج شده به شب زنده‌داری آدریانو و اوبافمی مارتینز مربوط می‌شده است و گزارش شده که حتی رونالدینیو ستاره برزیلی بارسلونا نیز کنار آنها بوده است.

گاهی هم گزارش می‌شد که «باند آرژانتینی‌ها»ی اینتر شامل ورون، زانتی، گونزالز، کروز، کامبیاسو و ساموئل در تمرینات این تیم برزیلی‌ها را در حالت ایزوله قرار می‌دهند و بهتر بگوییم آنها را بایکوت می‌کنند. حقیقت هرچه باشد و چه این اتفاقات واقعاً افتاده باشد و چه خیر، مهم این است که این رویدادها در مطبوعات ایتالیا هر روز با وسعت انعکاس می‌یابند.

شاید هم بتوان مدعی شد که سر و کله زدن با چنین مسائلی و وقوع چنین رویدادهایی در باشگاه‌های اروپایی امری رایج است و اینتر نمی‌تواند این مسئله را دلیلی برای توجیه بازی‌های ضعیف خود بینگارد.

با این حال مشکل اینتر حادتر و بسیار وسیع‌تر از سایر باشگاه‌ها در این خصوص است. زیرا فقط یک ساعت بعد از حذف شدن اینتر در زمین ویارئال و ادا شدن حرف‌های مانچو در پایان کار و در رختکن (و به واقع پس از اعتراض او به آنچه که در زمین روی داده بود) اخبار آن زبان به زبان گشت و تمام رسانه‌های اروپا را گرفت و همین نشان می‌دهد مشکل اینتر چقدر جدی است.

یک بازیکن اینتر می‌گوید: «ابتدا فکر می‌کردم فقط یکی دو نفر در اینتر این کارها را می‌کنند اما بعداً دیدم همه وسط ماجرا هستند و کسی نیست که این کارها را نکند. بارها پیش آمده که یکی دو بازیکن ما در یک مسابقه بسیار بد بازی کرده‌اند، اما فردای آن روز در یکی دو روزنامه هیچ اشاره‌ای به این قضیه صورت نگرفته است. اینجا است که به این نتیجه می‌رسیم همان بازیکن کسی است که خبرها را به آن نشریات می‌دهد و آنها هم هوای او را دارند.»

حرف‌های مانچو را هم کسی جدی نگرفته است. او اخیراً چندبار تهدید کرده و گفته است: «من می‌دانم این خبرچین‌ها چه کسانی هستند و در نتیجه خدمت‌شان خواهم رسید. هر چه در رختکن و در جمع ما روی می‌دهد، نباید به بیرون درز پیدا کند.» با این حال هیچ‌کاری از دست مانچینی برنمی‌آید، مگر اینکه خط تلفن تمام بازیکنان تیم را کنترل کند که آن هم فقط از وزارت دادگستری ایتالیا برمی‌آید. از طرف دیگر هر کاری از این دست را باید ابتدا مقام‌های بالای دست او در اینتر تایید کنند ولی همه می‌دانند که هر یک از بازیکنان اینتر که خبرچینی کند و مسئله‌ای را به اطلاع ماسیمو موراتی برساند پاداش شایانی نیز خواهد گرفت و به همین خاطر خیلی‌ها دائماً در کریدورهای باشگاه اینتر در حال رفت و آمد هستند!

محصول تمام این مسائل این است که اینتر به نوعی دائماً خود را تضعیف می‌کند و انگار میل به نابودسازی خود دارد. اینتر در مجموع بد بازی نمی‌کند، اما عناصر اضافی هم در بازی‌اش دارد و یکی از آنها ورون است که ۹۰ دقیقه در زمین می‌دود اما هیچ‌کس نمی‌داند چه‌کار می‌کند و مثل شبحی سرگردان می‌ماند که هیچ اثری از او و تلاش‌اش برنمی‌خیزد و اگر او را به کلی حذف کنید، بسیار بهتر خواهد شد.

با این حساب جای تعجب ندارد که هواداران اینتر در اولین ساعات صبح یکشنبه در فرودگاه میلان انتظار بازگشت تیم را از اسکولی می‌کشیدند. اینتر شنبه شب بازی‌اش با اسکولی در «سری A» را ۱-۲ فتح کرده بود اما طرفداران اینتر می‌خواستند خشم‌شان را که به سبب حذف شدن تیم از جام قهرمانان اروپا بود، بر سر تیم خالی کنند و این کار را هم کردند و به چند بازیکن تیم حمله‌ور شدند و با ضرباتی آنها را به زمین انداختند و یکی از ضربات بر پشت سر زانتی نشست.

اما راه فراری برای موراتی متصور نیست و انگار او مجبور است مجموعه خبرچین‌ها و آدم‌های پرادعا را حفظ کند؛ خوان ورون که پیشتر گفته بود در پایان فصل به آرژانتین بازمی‌گردد پشیمان شده و از خیر این کار گذشته است و آلوارو رکوبای اروگوئه‌ای هم که پول‌های کلانی می‌گیرد، نه فقط قراردادش لغو نمی‌شود بلکه در آستانه عقد قراردادی تازه قرار دارد.

به‌واقع تنها کسی که باید حفظ شود، همانی است که به احتمال قوی قربانی و اخراج خواهد شد؛ روبرتو مانچینی که کمتر از بقیه حاشیه داشته و برای ارتقای فنی اینتر واقعاً تلاش کرده است، شاید اخراج شود تا خشم هواداران اینتر فروکش کند و گمان ببرند که مسئول ناکامی‌های تیم کنار گذاشته شده است.

اگر این اتفاق بیفتد، مطمئن باشید تمام رسانه‌های ایتالیا قبل از این که مانچو خبر برکناری‌اش را بشنود، خبر آن را شنیده و درج کرده‌اند.

منبع: **Times**

حاشیه

در متن و حاشیه فوتبال اروپا

بدشانسی فوق‌العاده

وصال روحانی

دنیای شرط‌بندی بر روی نتایج مسابقات فوتبال هم دنیای عجیبی است. این را بهتر از هر کس یک شرط‌بند ۵۲ ساله انگلیسی که نامش میک دانینگ است، می‌داند. وی هفته پیش به روال معمول فقط سه پوند روی ۱۵ مسابقه از لیگ فوتبال انگلیس شرط‌بندی کرد. روز بازی‌ها از راه رسید و نتایج یکی پس از دیگری همان طور از آب درآمدند که دانینگ می‌خواست و رویشان شرط بسته بود. کافی بود بازی پورت ویل با بلک پول هم که دیدار آخر بود مساوی شود تا به یک‌باره ۱/۴ میلیون پوند به دست وی برسد. بازی تا اواخر وقت صفر- یک به سود بلک پول پیش می‌رفت. اما داور در این مقطع یک پنالتی به سود پورت ویل اعلام کرد و تونی دانینگ پشت توپ ایستاد. او بازیکنی کوچک نیست و سابقه بازی در ده باشگاه را دارد و بسیار پرتجربه است بنابراین نمی‌توانست پنالتی را از دست بدهد. اما او توانست و این ضربه را از دست داد و رقم عظیمی که گفتیم از دست دانینگ که از شهر ویمبل بری در منطقه میدلندز انگلیس می‌آید، پرید و به ۳۲ هزار پوند کاهش یافت. خشم و یاس ویران‌کننده دانینگ کاملاً قابل فهم بود. «کافی بود توپ یکی دو سانتی‌متر این طرف‌تر می‌خورد و گل می‌شد و در آن صورت من همین حالا بازنشسته می‌شدم و تا آخر عمرم استراحت می‌کردم و خوش می‌بودم. وقتی بازی هم طبق پیش‌بینی من تمام شد فهمیدم که پول خوبی گیرم می‌آید، اما از دهم تا چهاردهم وضعم را فوق‌العاده کرد. چه سود که پانزدهمی همه چیز را پراند. تا چه حد می‌توانید بدشانس باشید؟»

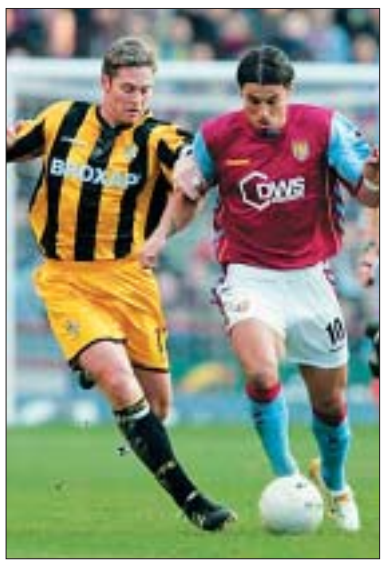

■ پیدا کردن بهترین بازیکن در بدترین تیم

اگر دانینگ همچنان غصه و افسوس فرصت از دست رفته‌اش را می‌خورد و باید دوباره به دنبال جور کردن مخارج زندگی‌اش باشد، غصه نزول شدید تیم محبوبش (استون ویلا) نیز دامنگیر او شده است. این تیم هفته پیش در یکی از بازی‌های لیگ برتر انگلیس با نتیجه سنگین صفر- پنج به آرسنال باخت و جای پایین‌تری را در جدول رده‌بندی لیگ پیدا کرد. طبق رسوم آخر فصل فوتبال این کشور هر باشگاهی بهترین بازیکن خود را در آن فصل انتخاب می‌کند و حالا هواداران ویلا مانده‌اند که در چنین فصل اسف‌باری در این ارتباط به چه کسی رای بدهند. ظاهراً نظر آنها متوجه متیو برسون شده است. او یک هافبک فرانسوی و ۲/۹ میلیون پوندی است. با این حال انتخاب او نیز مشکل میک دانینگ را که ۱/۴ میلیون پوند از دستش پرید، حل نمی‌کند. در عین حال هواداران ویلا امیدوارند چنین انتخابی مشکل برسون را حل کند زیرا او می‌کوشد به تیم ملی اعزامی فرانسه به جام جهانی ۲۰۰۶ راه یابد و باور طرفداران ویلا این است که اگر عنوان فوق را به وی ببخشند ریموند دومنک مربی تیم ملی فرانسه هم مجبور به دعوت برسون می‌شود. از همه جالب‌تر و عجیب‌تر آنکه برسون اصلاً عضو رسمی ویلا نیست و در استخدام تیم اوسر است و فقط به عنوان بازیکن قرضی به ویلاپارک آمده است. شاید هم هواداران ویلا قصد دیگری داشته باشند: آنها می‌خواهند با انتخاب یک نیمکت‌نشین در ویلا در عمل یک ضربه کاری هم به دیوید اولری وارد کنند و مخالفت خود را با سیاست‌های این مربی ایرلندی که سبب «ذخیره» بودن برسون شده است اعلام دارند. آنها به واقع مدت‌ها است که مخالفت خود را با ادامه کار اولری در تیم محبوب‌شان ابراز داشته‌اند اما مدافع دیرپای سابق آرسنال و لیدز رفتنی نشده و در «ویلاپارک» مانده است. لابد گزینش یک نیمکت‌نشین در استون ویلا از سوی طرفداران این تیم اولری را دلسردتر خواهد ساخت.

■ دروغ ماه آوریل

هفته پیش «دیمیتریوس پاپا دو پولوس» مهاجم پاناتینایکوس در شرایطی به یکی از جلسات تمرینی این تیم یونانی آمد که مقداری شیرینی و چیپس در دستش بود و شروع به پخش کردن آنها بین یارانش کرد. آنها نزد خود فکر کردند قضیه چیست، نه روز تولد وی بود و نه جشن خاصی. سر آخر خودش به زبان آمد و گفت که چون قراردادش را با باشگاه تمدید کرده خواسته است که شادی خود را با یارانش تقسیم کند. یارانش گول حرف او را خوردند و شروع به پایکوبی و «بگو و بخند» در کنار وی کردند، ولی چند دقیقه‌ای بیشتر نگذشته بود که پاپا دو پولوس نیشخندی زد و گفت: «به تقویم نگاه کنید.» اینجا بود که یارانش تازه فهمیدند قضیه از چه قرار است: پاپا دو پولوس دروغ ماه آوریل را گفته بود. چیزی که در اروپا و به طور کلی در سطح جهان در شروع این ماه بسیار رسم است.

منبع: **Uefa**